

# متوسط تولید مسئله، هر پنج روز یک بار

فراکاوی عملکرد جریان اصلاحات و جنبش سبز در دولت یازدهم



سید علی خامنه‌ای

# متوسط تولید مسئله، هر پنج روز یک بار

فراکاوی عملکرد جریان اصلاحات و جنبش سبز در دولت یازدهم

به دنبال پیروزی حجت‌الاسلام حسن روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و مهیا شدن بستر فعالیت جریان اصلاح طلب و نیز جریان حامی فتنه، آن‌ها با در پیش گرفتن راهبردهای مختلف، سعی در نقش‌آفرینی در سپهر سیاسی کشور نموده‌اند.

## مقدمه

انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری و به دنبال آن پیروزی حجت‌الاسلام حسن روحانی، که با حمایت اصلاح طلبان صورت گرفت، بستری شد برای بازگشت دوباره جریان اصلاحات و سبزها برای عرض‌اندام در عرصه‌ی سیاسی کشور و آغاز مطالبه‌گری این جریان از دولت آقای روحانی در مقابل حمایت از وی در جریان انتخابات.

از این رو، با گذشت صد روز از آغاز فعالیت دولت یازدهم، سهم‌خواهی‌های جریان اصلاحات و سبزها هنوز ادامه دارد؛ هرچند که این جریان توانست در مناصب کلیدی دولت خود را جای دهد، اما همچنان دولت را تهدید به عبور و خالی شدن بدنه‌ی حامیان اصلاح طلب بسته به نوع عملکرد آقای روحانی می‌نمایند. با بررسی فعالیت‌های دو جریان اصلاحات و سبزها، اهم محور تحرکات این جریان‌ها در صد روز فعالیت دولت یازدهم به شرح زیر است:

## الف) اصلاح طلبان

### مصادره به مطلوب کردن پیروزی روحانی در انتخابات

اصلاح طلبان با توجه به نظرسنجی‌ها و پیش‌بینی پیروزی روحانی در انتخابات، تلاش کردند با تشویق عارف به کناره‌گیری از عرصه‌ی انتخابات، به اجماعی روی حسن روحانی برسند و رأی خود را در سبد وی قرار دهند. لذا این مسئله باعث شد که پس از پیروزی روحانی در انتخابات، اصلاح طلبان این برد را از آن خود دانسته و خود را پیروز انتخابات معرفی کنند. در همین راستا، سید محمد خاتمی، در دیدار با جمعی از منتخبین شورای شهر، ضمن کلید زدن این رویکرد، گفت: «ما ترجیح دادیم که گفتمان اصلاح طلبی، که در مواضع آقایان عارف و روحانی مطرح شده بود، پیروز بشود که بحمدالله چنین شد و این مسئله موقعيتی بزرگ بود که به دست آمد».۱

برخی از اهدافی که در این رویکرد توسط اصلاح طلبان دنبال می‌شد عبارت بودند از:

پیگیری به محاکم بردن لفظ و نفس فته  
تحمیل خود به جریان سیاسی‌رسانه‌ای کشور  
معرفی جریان خود به عنوان یگانه نماینده‌ی مطالبات مردمی  
تأکید بر شکست فضای امنیتی  
القای سامان‌دهی شرایط برای پیروزی توسط اصلاح طلبان  
اثبات رهبری خاتمی و نقش پدرخواندگی هاشمی رفسنجانی  
و...

### تلاش برای وامدار نشان دادن دولت به اصلاح طلبان

پس از پیروزی روحانی در انتخابات، اصلاح طلبان که نقش خود را در این پیروزی برجسته می‌دانند، تلاش دارند تا به اثبات نقش بدنی اجتماعی اصلاح طلبان برای پیروزی روحانی بپردازنند. در همین رابطه، سعید حجاریان در مطلبی در شماره‌ی ۵۱ هفته‌نامه‌ی آسمان، با عنوان «کار روحانی دشوار است»، اهمیت پایگاه اجتماعی را به مثابه‌ی خرمن بر باد دادن توصیف کرد و با مستأجر دانستن روحانی در خانه‌ی رأی اصلاح طلبان گفت: «روحانی شخصیتی نخبه‌گرایی است و به دلیل همین نخبه‌گرایی است که او در حلقه‌ی اصلی یارانش، صرفاً افراد محدودی دارد و تیم، کادر و حزب مشخصی ندارد. لذا باید با ابزارهای تعاملی و کارت‌های دیگر خود بازی کند.»

### آغاز سهم خواهی از دولت

به دنبال حمایت اصلاح طلبان از روحانی در انتخابات، اصلاح طلبان در قبال حمایت خود از روحانی سهم ویژه‌ای در واگذاری مناصب و پست‌های دولتی قائل شده و تلاش کردند با تحت فشار قرار دادن دولت در قبال حمایت خود، سهمی دریافت کنند که از جمله تلاش‌های آن‌ها می‌توان به

موارد زیر اشاره داشت:

- تلاش برای کسب وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش و علوم، جهت ارتباط‌گیری با بدنی طبقه‌متوسط و کادرسازی و برنامه‌ریزی مختلف در این ساحت.
- تلاش برای به‌دست‌گیری وزارت کار، تعاون و امور اجتماعی جهت کسب حمایت طبقه‌ی توده‌ای و محروم.
- تلاش برای به‌دست‌گیری وزارت نفت و مسکن در چارچوب احیای سازمان اقتصادی جریان اصلاحات و تأمین اسپانسر اقتصادی برای فعالیت اجتماعی‌سیاسی این جریان.

### تأکید بر توسعه‌ی سیاسی

رونده تحرکات اصلاح‌طلبان بعد از انتخابات حاکی از تلاش این جریان برای تحمیل «توسعه‌ی سیاسی» به دولت یازدهم و بهره‌گیری از گشايش سیاسی در مناسبات اجتماعی است. همان طور که در این زمینه، سعید حجاریان نیز در گفت‌و‌گویی، به تأکید بر توسعه‌ی سیاسی در دولت روحانی اشاره کرده و برای تحمیل این موضوع، «بحران‌نمایی» از آینده را فراروی رئیس‌جمهور قرار داده و می‌گوید: «مهم‌ترین چالش‌های پیش روی روحانی سیاسی است... او حتی اگر بخواهد صرفاً مسائل اقتصادی را محقق کند، انجام این امر مقدمات سیاسی دارد. او باید به پیش‌نیازهای این امور توجه کند.»<sup>۱</sup>

### ایجاد هراس نسبت به بازگشت پوپولیسم

یکی دیگر از موضوعاتی که طی ماههای اخیر مورد تأکید اصلاح‌طلبان بوده است، ایجاد هراس نسبت به بازگشت پوپولیسم و احمدی‌نژاد به فضای سیاسی کشور است. آن‌ها با تأکید بر محورهایی نسبت به تکرار نشدن این وضعیت، بر ایجاد هراس بازگشت پوپولیسم اصرار دارند. در همین رابطه، می‌توان به عنوان نمونه، به محورهای زیر اشاره داشت:

- کشور به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاست داخلی و سیاست خارجی، یکی از بحرانی‌ترین و حساس‌ترین شرایط دوران پس از انقلاب را تجربه می‌کند.
- جامعه‌ی مدنی سرکوب شده و طبقه‌ی متوسط تضعیف شده و بخش خصوصی به حاشیه رانده شده است.

- تورم، گرانی، بیکاری، فقر و واحدهای تولیدی متوقف و ورشکسته و ذخایر پولی و ارزی اندک، حاکی از وضعیتی بس و خیم و نگران‌کننده طی یک سال آینده است.

همچنین اصلاح‌طلبان در گام دیگر، تأکید دارند که در صورت عدم تحقق وعده‌های روحانی، امکان بازگشت پوپولیسم وجود دارد.

محمد رضا تاجیک در این باره، در گفت‌و‌گویی با روزنامه‌ی شرق می‌گوید: «احمدی‌نژاد و احمدی‌نژادیسم و یا پوپولیسم احمدی‌نژاد، حاصل غفلت اصلاح‌طلبان بوده است. پس از تکرار آن چه باک. در این حالت، کسی نمی‌تواند مانع یک گشت و بازگشت تاریخی دیگر بشود. با بهره‌ای

آزادانه از آرتور کوستلر، نویسنده‌ی کتاب ظلمت در نیمروز، ما تاریخ را کامل‌تر از دیگران آموختیم. می‌دانیم تاریخ برای هر خطای عاقبی را با خود دارد که دامن هفت نسل را می‌گیرد. هر فکر غلطی که دنبال می‌کنیم، مسیری است که برای ایجاد یک تغییر رادیکال هموار می‌کنیم. با این بیان می‌خواهم به پیروی از بودا بگویم که آنچه فردا حادث می‌شود نتیجه‌ی آن چیزی است که امروز انجام می‌دهیم. بنابراین بازگشت یا عدم بازگشت پوپولیسم و رادیکالیسم تابعی از اراده‌ی امروز ما هستند. اگرچه به رغم آنچه می‌گوییم و آنچه توصیه می‌کنم، بازگشت نوعی پوپولیسم-رادیکالیسم را نیز پیش‌بینی می‌کنم.»<sup>۳</sup>

## تلاش برای مقابله با نهادهای موازی اطلاعاتی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که اصلاح طلبان پیگیر آن هستند، تلاش جهت ایجاد محدودیت برای نهادهای انقلابی‌ای همچون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. رصد گفته‌های اصلاح طلبان حاکی از آن است که آن‌ها در دو فاز پیگیر این مسئله هستند؛ فاز اول مقابله با نهادهای اطلاعاتی موازی و فاز دوم مقابله با جریان رانتی است. در همین رابطه، سعید حجاریان در گفت‌وگویی با روزنامه‌ی اعتماد (۲۹ مهر) شاهکلید رفع بحران‌های پیش روی روحانی را اقتدار دستگاه اطلاعاتی در مقابله با فسادها سیاسی، اقتصادی و دولتی دانسته و در این مورد می‌گوید: «مهم‌تر این است که اطلاعات موازی ایجاد نشود و خارج وزارت اطلاعات همان کارها را ادامه ندهند. آقای روحانی باید بتواند هم وزارت اطلاعات را اصلاح کند، هم جلوی موازی کاری را بگیرد.»

## پیگیری راهبرد بهبودی خواهی

راهبرد بهبودی خواهی یکی از موضوعاتی است که طی ماههای اخیر، مورد توجه اصلاح طلبان قرار گرفته است. مسئله‌ی آن‌ها این بود که با وجود روی کار آمدن دولت روحانی، این جریان باید چه رویه‌ای را دنبال کند؟ که برآیند نهایی آن بوده که اصلاح طلبان می‌باشد ضمن بهره‌گیری از منافذ و روزنه‌های درون دولت، جنبش اجتماعی را به عنوان تکیه‌گاه حقیقی مبتنی بر میکروفیزیک قدرت دنبال نمایند. این راهبرد که «بهبودی خواهی» نام دارد، توسط علیرضا علوفی تبار مطرح شده و مورد استقبال تصمیم‌سازان جریان اصلاحات قرار گرفته است. وی در مقاله‌ای که ۲۸ مرداد در فضای مجازی انتشار یافت، در این زمینه نوشت: «باید راه رفتن با دو پا را تداوم بخسیم. برای گذر مسالمت‌آمیز و پایدار و متکی به شهروندان ایرانی به مردم‌سالاری، هم باید از بهبودخواهی حکومتی بهره‌گیریم و هم از جنبش اجتماعی. هیچ کدام از این دو اقدام، به تنها‌ی ما را در تسریع و تسهیل گذار به مردم‌سالاری کفایت نمی‌کنند. با دولت جدید، امید به شکل‌گیری بهبودخواهی حکومتی پدید آمده است. به طور همزمان باید از شرایط پدیدآمده برای تقویت جنبش اجتماعی یاری گرفت. باید به حکومت فهماند که جنبش اجتماعی، شورش اجتماعی نیست. اقدامی است جمعی، مسالمت‌آمیز و کم‌وبیش سازمان‌دهی شده که بیش از هر

چیز، تغییر نگرش و رفتار مردم در جریان فعالیت اجتماعی را دنبال می‌کند و نه لزوماً تصرف قدرت سیاسی را.»<sup>۴</sup>

## تلاش برای کسب قدرت اجتماعی و سیاسی

توجه به تسخیر قدرت اجتماعی، یکی از مسائلی است که اصلاح طلبان در سال‌های پایانی دولت اصلاحات و در فضای سال ۸۸ نیز به دنبال آن بودند و آن را گامی برای تسخیر قدرت سیاسی می‌دانند.

این پرروزه، که در آن ایام توسط محمدرضا تاجیک دنبال می‌شد، همانکنون در دوره‌ی اعتدال، توسط مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، در حال تئوریزه شدن است. وی طی مقالات متعددی که در هفته‌نامه‌ی آسمان منتشر شده، ضمن تأکید بر چند محور اساسی همچون «آگاهی اجتماعی»، «سیاست‌های زندگی روزمره»، «جرائم و نیروی جامعه» و «پارادایم تازه در مقاومت شهر»، به دنبال طرح و بیان موارد و محورهای زیر است:

- تأکید بر خلق قدرت اجتماعی با اتکای به آگاهی اجتماعی.
- تصریح بر همیابی، همافزایی، هسته‌سازی و شبکه‌سازی اجتماعی.
- تأکید بر شبکه‌ی مجازی به عنوان «خلق قدرت جریانی در برابر جریان قدرت».
- ایجاد سونامی رسانه‌ای مبتنی بر این نکته که رسانه قدرت پشت گفتمان است.
- تأکید بر سیاست‌های زندگی روزمره با اتکاء به عناصری همچون مرکز ثقل جامعه، نه مکان‌های حکومت که در ریتم دائم زندگی شهری است. مردم با زندگی روزمره‌ی خود در شهر، از گفتارها و اصرارهای رسمی، عملًا خلاصی می‌یابند و «قدرت در شهر»، قدرت رسمی را تعدیل می‌کند.

## تشکیل کمپین ضدتحریم

یکی از موضوعاتی که جریان اصلاحات به دنبال آن است تأکید بر ضرورت تشکیل کمپین ضدتحریم‌ها با حضور روش‌فکران است. با توجه به اظهارات برخی تئوریسین‌های این جریان، می‌توان به محورهای زیر اشاره کرد:

- تلاش برای بحران‌نمایی.
- فعل کردن خط ارتباطی خود با خارج از کشور از طریق فعال ساختن کمپین ضدتحریم‌ها.
- احیای بدنی اجتماعی خود از طریق بهره‌برداری از روزنامه‌های بشردوستانه و میهن‌پرستانه.
- القای حل مسائل و مشکلاتی همچون تحریم از طریق رابطه با آمریکا در داخل.
- قهرمانسازی از خود در صورت گشایش در زمینه‌ی تحریم‌ها.

در همین زمینه، در اقدامی هماهنگ و ساماندهی شده، سعید حجاریان در گفت‌و‌گویی با روزنامه‌ی اعتماد (۲۷ مرداد)، با طرح این پرسش که «تحریم و ما ادیریک مالتحریم» از وجود گروه‌هایی در داخل ایران و نیز لابی‌گرانی در مجلسین آمریکا سخن به میان می‌آورد که بنا ندارند مسائل

تحريم‌ها در خصوص ایران به فرجامی برسد. وی همچنین با اشاره به اینکه تحريم‌ها زندگی ملت ایران را تحت تأثیر خود قرار داده پیشنهاد می‌کند: «روشن‌فکران باید این وضعیت را گزارش کنند؛ هم به داخلی‌ها و هم به خارجی‌ها. مثلاً جامعه‌ی پزشکان باید درباره‌ی آثار سوء‌تغذیه در ایران آماری را به صورت استان به استان ارائه دهند تا عمق این وضعیت مشخص شود.»

### پیشنهاد ابتکار یک جانبه در مسئله‌ی هسته‌ای

پیروزی حسن روحانی و تغییر در تیم مذاکرات هسته‌ای، زمینه‌ی فعالیت اصلاح طلبان را برای بیان نظرات سازشکارانه فراهم آورد. در همین رابطه، ناصر هادیان در سرمهقاله‌ی ۴ شهریور روزنامه‌ی بهار، با عنوان «ابتکار یک جانبه»، تلاش کرد تا ضمن تأکید بر این نکته که تحريم‌ها حاصل فعالیت‌های هسته‌ای بوده و مشکلات فراوانی را برای مردم به وجود آورده، تیم جدید هسته‌ای را مت怯اعد به اعتمادسازی یک جانبه کند.

### بستری‌سازی برای آب شدن کوه یخی ایران و آمریکا در جریان سفر روحانی به نیویورک

با سفر حسن روحانی به نیویورک، اصلاح طلبان و رسانه‌های آنان، ضمن استقبال از انجام ملاقات بین روحانی و اوباما، از احتمال آب شدن کوه یخی بزرگ میان ایران و آمریکا سخن به میان آوردند. بررسی رسانه‌های جریان اصلاح طلب در زمان حضور و بازگشت آقای روحانی از نیویورک، حاکی از آن است که این رسانه‌ها ضمن علاقه‌مندی برای انجام این ملاقات، با برنامه‌ریزی هدفمندی، به دنبال پوشش دیدارها و حاشیه‌های برنامه‌های رئیس جمهور در این زمینه، جهت ایجاد ساخت فضایی مطالبه‌گر بوده‌اند.

بررسی رسانه‌های اصلی و مکتوب آنان مانند روزنامه‌های «شرق»، «بهار» و «اعتماد» و پوشش خبری سخنرانی رئیس جمهور در اجلاس عمومی سازمان ملل و گفت‌و‌گوی تلفنی با باراک اوباما، حاکی از این مسئله است.

### تلاش برای طراحی سازمان سیاسی

با پیروزی روحانی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری و فراهم شدن فضایی برای عرض اندام اصلاح طلبان، جریان اصلاحات در صدد مطرح کردن طرح «سازمان سیاسی» خود برآمد. در این میان اما اصلاح طلبان در مواجهه با حزب و جبهه به چند دسته تقسیم شده‌اند. عده‌ای از تشکیل جبهه‌ی فraigیر استقبال کرده و برخی دیگر نیز تأسیس احزاب مختلف را مورد تأکید قرار داده‌اند. در همین رابطه، هفته‌نامه‌ی «آسمان» در شماره‌ی ۵۲ خود، تحت عنوان «بازی بزرگان: سازمان دهی دموکراتیک»، نوشت: «شرایط پس از ۲۴ خدادادماه گراییش به سازمان دهی سیاسی (از طریق ایجاد احزاب جدید و یا احیای احزاب و گروه‌های در حال تعطیل و رکود) را در میان اصلاح طلبان تقویت کرده است. با فعال شدن دوباره‌ی احزاب اصلاح طلب، بار دیگر نیاز به سازمان سیاسی فraigیر احساس می‌شود. کارکرد اصلی این سازمان سیاسی، باید وحدت‌بخشی میان نیروهای موجود،

همافزایی میان آن‌ها و ایجاد بستری برای تربیت، نو زایی و گردش نیروهای جدید باشد.»

## تلاش برای مطرح کردن و پیگیری حقوق شهروندی

تحمیل مطالبات رادیکال یکی دیگر از محورهایی است که از سوی جریان اصلاحات در برابر دولت یازدهم پیگیری می‌شود. برخی شعارهای انتخاباتی حسن روحانی مبنی بر پیگیری اصل سوم قانون اساسی و تأمین حقوق شهروندی موجب شد که اصلاح طلبان تلاش ساماندهی شده‌ای را تدارک دیده تا بتوانند موضوعاتی همچون رفع حصر سران فتنه و آزادی زندانیان سیاسی را پیگیری نمایند.

در همین رابطه، سعید حجاریان در گفت‌و‌گو با روزنامه‌ی «اعتماد» (۲۹ مهر) با ترسیم نقشه‌ی راه حقوق شهروندی برای دولت یازدهم می‌گوید: «در موضوع حقوق شهروندی، آقای روحانی هم حقوق‌دان است، هم زبان اصول‌گرایان را می‌فهمد. باید با رهبری صحبت کند و لایحه‌ی حقوق شهروندی را ارائه بدهد. این لایحه بسیار مهم است و باید در مورد آن اقدام جدی صورت بگیرد. از طرفی باید آقای روحانی به دنبال احیای سریع اصل ۱۱۳ قانون اساسی باشد. این اصل رئیس‌جمهور را ناظر بر اجرای قانون اساسی می‌داند. احیای این اصل، یک راه صحیح برای احیای حقوق شهروندی است.»

## تلاش برای حذف نیروهای نزدیک به اصول‌گرایان از کابینه

تلاش برای حذف برخی از نیروهای متمایل به اصول‌گرایان در کابینه‌ی یازدهم، یکی دیگر از محورهایی است که اصلاح طلبان برای فشار به دولت یازدهم در حال پیگیری آن هستند. در همین راستا، می‌توان از تلاش اصلاح طلبان برای جلوگیری از ادامه‌ی فعالیت محمد نهادنیان به عنوان دفتر رئیس‌جمهور به بهانه‌ی مشی اصول‌گرای نهادنیان و نیز نزدیکی وی به روحانی یاد کرد. لذا برخی رسانه‌های جریان اصلاحات تلاش کردند با پیش‌کشیدن برخی شباهت، ضمن خدشه‌دار کردن چهره‌ی نهادنیان، فشار رسانه‌ای‌روانی را برای تخریب وی ساماندهی کنند.

ماهنامه‌ی «مهرنامه» (شماره‌ی ۳۱) در همین چارچوب و در مطلبی به بهانه‌ی بررسی پرونده‌ی آیت‌الله طالقانی و جریان چپ، کوشید تا ضمن بر جسته‌سازی رابطه‌ی دوستی محمد نهادنیان با مجتبی طالقانی، وی را عضو انجمن حجتیه بنامد و در همین راستا، طی گفت‌و‌گویی با مجتبی طالقانی، تلاش کرده است اتهامی را به نهادنیان در این زمینه متوجه سازد.

## تهدید به عبور از روحانی

برخی از رفتارها و تحلیل‌های اصلاح طلبان نشان از شکاف آرام میان جریان اصلاحات و جریان اعتدال دارد؛

به گونه‌ای که آن‌ها در تلاش‌اند با متزلزل نشان دادن پایگاه اجتماعی دولت روحانی، وی را تهدید به عبور از وی نمایند.

در همین راستا، محمدرضا تاجیک، در یادداشتی که در ماهنامه‌ی «مهرنامه» (شماره‌ی ۳۱) منتشر شد، تلاش کرد تا بخشی از این راهبرد را عملیاتی سازد. از دیگر سو، سعید حجاریان نیز در گفت‌و‌گو با روزنامه‌ی اعتماد (۲۹ مهر)، صفت اعتدال دولت روحانی را زیر سؤال برد و با بیان اینکه دولت یازدهم به وزن آرای پایگاه اجتماعی توجهی نکرده است مطالبی را خطاب به روحانی گوشزد کرد.

## ب) جریان سبز و اپوزیسیون

پس از انتخابات یازدهمین دوره‌ی ریاست‌جمهوری و به دنبال روی کار آمدن دولت روحانی، جریان سبز و اپوزیسیون نیز طی مطالب مختلف، به اظهارنظر در برابر این دولت پرداخته‌اند. عمدتی این مطالب که توسط «مرتضی کاظمیان»، «تقی رحمانی»، «علی افشاری»، «آرش غفوری» و... در سایتهاي همچون «بى سى فارسى»، «جرس»، «كلمه»، «خودنويس» و «سایت ملي مذهبى ها» نگاشته و منتشر شده، در بردارنده‌ی محورها و نکاتی است که مورد بهره‌برداری رسانه‌های داخلی جریان اصلاحات قرار گرفته و در خطده‌ی به آن‌ها مؤثر است. بخشی از این محورها عبارت‌اند از:

### تلاش برای نمایاندن زاویه میان جریان سبز و دولت روحانی

با کمرنگ شدن جریان سبز در عرصه‌ی سیاسی کشور، جریان فتنه تلاش دارد تا علاوه بر نمایاندن زاویه‌ی روحانی و حامیانش، به پرنگ ساختن تضاد استراتژیک اعتدالیون و سبزها بپردازد. این جریان در مطالب متعدد و متنوعی تصريح می‌کنند که «ادغام و خلط رنگ‌های سبز و بنفش، نه تنها با واقعیت سازگار نیست، بلکه به لحاظ عملیاتی و راهبردی نیز مشکلاتی را در حوزه‌ی سیاسی ایجاد می‌نماید.»

جریان مزبور همچنین محورهای تقابل استراتژیک جریان سبز و گفتمان اعتدال را در سه محور زیر خلاصه می‌کند:

۱. دموکراسی: معتقدان به تضاد استراتژیک فرقه‌ی سبز و گفتمان اعتدال بر این باورند که جنبش سبز هموارسازی و تسریع گذار به دموکراسی را هدف خود قرار داده است. منظور، دموکراسی متعارف در دنیاست که در چارچوب امکانات کنونی ایران قابل حصول است. اما دولت روحانی به دنبال جمهوری اسلامی معتمد است که ظرفیت آن حداقل شبهه دموکراسی است.
۲. راهبرد: این جریان معتقد است که راهبرد و استراتژی جنبش سبز استفاده از ظرفیت اعترافات خیابانی و جنبش اجتماعی است؛ در حالی که در گفتمان اعتدال گرایی، خلق نیروی ملت در قالب خیابانی مصداق افراط محسوب می‌شود.

توسعه: این جریان بر این باور است که گفتمان اعتدال روحانی در ابعاد توسعه، وزن زیادی برای توسعه‌ی اقتصادی قائل بوده و حداقل توسعه‌ی سیاسی را اولویت نمی‌داند؛ در صورتی که جریان سبز قائل به این دیدگاه نیست.

## نگرانی از مشارکت اصلاح طلبان در دولت جدید

حضور و مشارکت اصلاح طلبان در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری موجبات حساسیت جریان سبز را

نسبت به ادغام اصلاح طلبان در ساختار قدرت سیاسی فراهم کرده است؛ به گونه‌ای که همراهی و حمایت اصلاح طلبان از دولت روحانی را موجب رنگ باختن استراتژی و اهداف جنبش سبز می‌دانند.

با بررسی مطالب طرح شده از سوی جریان سبز می‌توان به محورهای زیر اشاره کرد:

- تلاش برای ایجاد فشار به اصلاح طلبان برای زاویه گرفتن مجدد از نظام
- تلاش برای احیای جریان فتنه و متهم کردن جریان اصلاح طلب نزدیک به دولت یازدهم به عبور از جریان سبز
- تلاش برای وادار کردن اصلاح طلبان به بر جسته سازی از تضادهای سیاسی جریان سبز و روابط قدرت حاکم

### تلاش برای ایجاد تقابل میان روحانی با جبهه‌ی اصول‌گرایی و سپاه:

جریان سبز در تلاش است تا روحانی را در دو محور به بازی سیاسی وادرد:

#### الف) تحديد فعالیت سیاسی اقتصادی سپاه

در همین راستا، تقی رحمانی طی مقاله‌ای با عنوان «از ۲۴ خرداد تا ۲۴ مرداد ۹۲» با تأکید بر تلاش برای عقب نشاندن سپاه از عرصه‌ی سیاست و اقتصاد، سه عامل مهم را مورد تأکید قرار می‌دهند:

۱. خروج نظامیان از اقتصاد که کار ساده‌ای برای دولت بوروکرات روحانی نیست، اما مجلس این امکان را به روحانی در ۲۴ مرداد داده است. با توجه به رأی اعتماد مجلس به تیم اقتصادی روحانی، این امکان حقوقی فراهم شده است.
۲. راست افراطی که با کمک نظامیان در ایران قدرت گرفت، اکنون سکه‌اش از مد افتاده است و تقلیلی می‌نماید. نظامیان باید دست از حمایت از این جناح بردارند و به جایگاه مناسب خود بازگردند. به خصوص که بدنه‌ی سپاه هم به این بازگشت تمایل دارد.
۳. نظامیان را بهتر آن است که «سیاست‌مداری نظامی» را کنار بگذارند و اگر می‌خواهند سیاست‌مدار شوند، از لباس نظامی به درآیند و اگر احترام مردم و مصلحت را می‌طلبند، جناح سیاسی خود را بر این اساس انتخاب کنند و سراغ جریانات سیاسی بروند که ریشه‌دار هستند و از همه اولی، اقدام به ساختن جریان‌های افراطی نکنند که نتیجه‌ی چنین «جریان ساختنی» کمک به افراطی‌گری است که پایدار هم نیست.<sup>۵</sup>

#### ب) تلاش برای ایجاد شکاف در بدنه‌ی اصول‌گرایان

جريان سبز، ضمن فضاسازی‌ای که خود «راست‌هراسی» می‌نامند، در تلاش هستند که دو نتیجه را عملیاتی سازند. اول، ایجاد شکاف میان جبهه‌ی اصول‌گرایی با خط‌کش افراط و اعتدال و دوم، پیشنهاد کارت حمایت جامعه‌ی مدنی از روحانی به موجب فاصله‌گیری از اصلاحی در جناح راست که آنان افراطی و وابسته به سپاه می‌خوانند.

تأکید بر نقش سبزها در پیروزی حسن روحانی

تأکید بر نقش سبزها در پیروزی حسن روحانی در مطالب مختلفی از سوی شاخه‌ی خارج‌نشین جريان سبز مورد توجه قرار گرفته است. آن‌ها همچین تلاش دارند تا ادامه‌ی موفقیت روحانی را منوط به جدی گرفتن توان این فرقه ذیل استراتژی «فشار از پایین» نمایند.

در همین راستا، مرتضی کاظمیان طی مقاله‌ای با عنوان «دولت بنفس و جنبش سبز» می‌گوید: «آن بخش از فعالان سیاسی اصلاح طلب یا محافظه‌کاری که سبزها را در زمانه‌ی دولت روحانی خاتمه‌یافته می‌خواهند و تداوم جنبش سبز را بلا موضوع توصیف می‌کنند؛ یا ارزیابی دقیقی از توازن قوای سیاسی در حاکمیت ندارند و بر باندهای اقتدارگرا و دموکراسی‌ستیز در حکومت چشم بسته‌اند یا باوری به نقش جنبش‌های اجتماعی و تأثیر جامعه‌ی مدنی در تحقق منافع ملی و حقوق ملت و حاکمیت ملی ندارند.»<sup>۹</sup>

### چگونگی صیانت از دستاوردهای حداقلی سبزها در دولت یازدهم

جريان اپوزیسیون و سبزها در مقطع کنونی با مطرح کردن این سؤال که «راه حفظ حداقل امکانات به دست آمده در دولت روحانی چیست؟» به دنبال انسجام بخشیدن به توان اجتماعی خود هستند.

در همین رابطه، عیسی سحرخیز، از مجرمان فتنه‌ی ۸۸ که اخیراً از زندان آزاد شده است، در گفت‌و‌گو با «رادیو فردا» اظهار داشته است:

«در یک ارزیابی کلی، دولت اعتدال به دلیل اینکه حمایت اصلی‌اش از اصلاح طلبان و تحول خواهان ایران بوده که بسیاری از آن‌ها در جنبش سبز هم فعال بودند و بعد از انتخابات ۸۴ و به ویژه ۸۸ در صحنه‌ی سیاسی حضور داشتند، به نظر من، برآیندی که بر دولت اعتدال گذاشت، یک اصلاح طلبی محافظه‌کارانه است... باید از فضای ممکن استفاده کرد. در سریع‌ترین زمان ممکن باید اجازه دهند احزاب و گروه‌های سیاسی خودشان را بازسازی کنند یا جريان‌های سیاسی جدید شکل بگیرند. نهادهای مردمی، سازمان‌های غیردولتی و جريان‌های سیاسی و صنفی بتوانند سریع خودشان را ثبت کنند، بازسازی کنند، خانه‌های خودشان را، محل‌های استقرار خودشان را بازگشایی کنند، در آن‌ها فعالیت خودشان را انجام دهنند و در واقع جامعه‌ی مدنی را تقویت کنند... اگر جامعه‌ی مدنی تقویت بشود، در فضایی که دولت به سمت دموکراسی و حقوق بشر برود، این جريان سبز هم به دلیل اینکه از اين مقوله حمایت می‌کند و خواستار صلح و امنیت است، در کنار دولت قرار می‌گیرد. اگر هر کدام از این موارد که عرض کردم انجام نشود، طبیعتاً این حلقه‌ی ارتباطی از بین می‌رود و در نتیجه، جريانی که حامی بوده، بعداً در مقابل دولت قرار می‌گیرد یا دولتی که بر اساس آرای مردم قدرت گرفته شروع می‌کند با خواسته‌ها و مطالبات

مردم برخورد کردن. در صورتی که به صورت یک جریان یکپارچه باید پیش برود و هر دو برنامه‌هایی را باید ارائه دهند و ارتباط‌های تنگاتنگی بگذارند، تجمعاتی که شکل باید بگیرد و تا آن ما می‌دانیم یک چنین مسئله‌ای وجود نداشته، دولت و مردم در کنار هم قرار گیرند. به ویژه دولت و شخص رئیس‌جمهور باید به طور مکرر و دوره‌ای، با رهبران جریان‌های سیاسی جلسه داشته باشد و نشست داشته باشد و بسیار شفاف هم بگوید که این جریان‌ها حامی من بودند و من ازشان حمایت می‌کنم و هیچ شرمنده نیستم که با این افراد صحبت می‌کنم.<sup>۷</sup>

## جمع‌بندی

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان به محورهای زیر اشاره داشت:

- مسئله‌سازی جریان اصلاحات برای دولت یازدهم طی مطالب و محورهای مختلف هر شش روز یک بار
- تأکید اصلاح طلبان بر جامعه‌ی مدنی، احیای تشكل‌ها و احزاب به محقق‌رفته، بازسازی بدنی اجتماعی، آزادی سران فتنه و زندانیان فتنه<sup>۸۸</sup>
- متراffد قرار دادن رأی به روحانی با رأی به گفتمان اصلاح طلبی و وامدار کردن روحانی به اصلاح طلبان
- تلاش اصلاح طلبان برای تحمیل خود به فضای سیاسی کشور با حضور پرنگ، فراوان و پُردامنه در رساندها
- معرفی خود به عنوان یگانه نماینده‌ی مطالبات مردمی
- تلاش اصلاح طلبان برای پیگیری الگوی بهبودی خواهی
- حمایت از خاتمی با تشکیل حزب فراغیر
- القای شکست پژوهه‌ی امنیتی حاکمیت در برابر جریان اصلاح طلبان
- تلاش برای مدیریت فضای اجتماعی جهت ایجاد قدرت اجتماعی و تسخیر ماکروفیزیک قدرت
- اعتقاد اصلاح طلبان مبنی بر اینکه حسن روحانی و دولت وی نقطه‌ی آغاز احیای اصلاح طلبان است
- تأکید بر مسیر چهارساله برای دستیابی به قدرت
- القای این مسئله که در صورت عدم تحقق توسعه‌ی سیاسی، روحانی پشتونه‌ی بزرگی را در برابر رقبای خود از دست خواهد داد.
- بازگشت پوپولیست در صورت عدم موفقیت دولت یازدهم
- کنترل و مهار سپاه به بهانه‌ی جلوگیری از اطلاعات موازی
- تلاش برای ایجاد قدرت غیررسمی
- پیگیری مبحث حقوق شهرنشی
- حذف برخی از نیروهای مؤثر اصول‌گرایان در بدنی تصمیم‌سازی دولت
- تأکید بر سه محور دموکراسی، راهبرد و توسعه به عنوان وجه تمایز با دولت اعتقدال